



پای خارجی‌ها نباید به منافع سیاسی ما باز شود

سیدحسن خمینی، در مراسم تجدید میثاق اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام با آرمان‌های امام خمینی گفت: «مردم در قامت یک فقیه عارف مرجع، آرمان‌های خودشان را دیدند. به آنها وعده استقلال، آزادی، دینداری و پیشرفت داده شد و این چهار آرمان با هم انقلاب را نمایندگی کرده است. بعد از ۴۵ سال همواره باید به این مطلب توجه کنیم که اگر هر کدام از این چهار آرمان تضعیف شود، ریشه‌های بنیادین انقلاب و نظام اسلامی تضعیف می‌شود.» وی ادامه داد: «فقر و عواملی که احیاناً در مسیر پیشرفت و توسعه زندگی جامعه ما مشکلات ایجاد می‌کند، باید مطمح نظر همه باشد. به استقلال که بزرگترین دستاورد فعلی ما است، توجه کنیم؛ پای خارجی‌ها به منافع سیاسی و مراکز تصمیم‌گیری ما باز نشود. آن روزها که شعار «نه شرقی، نه غربی» داده شده، یک شعار بسیار آوانگارد است؛ که در نظام دوگانه شرق و غرب کسی پرچم استقلال بردارد و بگوید ما خودمان تصمیم می‌گیریم.»



دلایل رد صلاحیت روحانی اعلام نشد

خبرگزاری ایلنا در گزارشی با اشاره به رد صلاحیت‌های انتخابات مجلس خبرگان نوشت: «شورای نگهبان هنوز دلایل رد صلاحیت حجت‌الاسلام حسن روحانی برای نامزدی در انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری را به او ارائه نکرده است. در پی اعلام نتایج اولیه بررسی صلاحیت‌های انتخابات خبرگان رهبری، خبرنگار ایلنا مطلع شد که حسن روحانی هفته گذشته در نامه‌ای به شورای نگهبان خواستار اعلام دلایل رد صلاحیت خود شده اما با گذشت یک هفته هنوز این شورا به نامه او پاسخی نداده و مستندات خود را برای این تصمیم ارائه نکرده است. روز ۴ بهمن ۱۴۰۲ بنا به اطلاع یکی از مقامات شورای نگهبان، رد صلاحیت روحانی پس از سه دوره نمایندگی مردم سمنان و تهران در مجلس خبرگان رهبری توسط فقهای این شورا، اعلام و پیامک رد صلاحیت او روز شنبه هفتم بهمن ارسال شد. حجت‌الاسلام روحانی به این تصمیم اعتراض نکرد و در بیانیه و نامه به شورای نگهبان خواستار اعلام دلایل رد صلاحیت خود شد که هنوز دلایلی اعلام نشده است.»



شورای ائتلاف و انتخابات خبرگان

غلامعلی حدادعادل، رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب در اولین گردهمایی طلاب و روحانیت جنوب تهران که با موضوع نقش ائمه جماعت در افزایش مشارکت مردمی برگزار شد، گفت: «حفظ، دفاع و ادامه انقلاب وظیفه همه نیروهای انقلاب است.» وی در ادامه تصریح کرد: «همانطور که مقام معظم رهبری تأکید کردند تمام کسانی که مخاطب دارند باید مردم را به مشارکت در انتخابات دعوت کنند. سعی مان در شورای ائتلاف نیز این است که افراد صالح و سالم را شناسایی و برای انتخابات معرفی کنیم همانطور که حجت‌الاسلام آقامیری را شناختیم و به‌عنوان داوطلب نمایندگی شورای ششم شهر تهران مورد حمایت قرار دادیم.» رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب گفت: «آیت‌الله محمدی‌عراقی و آیت‌الله صفایی‌بوشهری در فهرست داوطلبان شورای ائتلاف تهران مجلس خبرگان رهبری حضور دارند.»



بازخوانی زندگی و کارنامه مبارزاتی سیدمصطفی خمینی

نابغه حوزره مهبجه امام

عکس: جهان‌آرا



شهریار صحافی

فعال سیاسی و رسانه‌ای

در مسیر انقلاب اسلامی کمتر کسی پیدایمی‌شود که از ابتداء حلقه صفریاریان امام خمینی بوده باشد. سیدمصطفی خمینی، فرزند بزرگ ایشان را می‌توان اولین و نزدیک‌ترین یار و همراه امام در راه مبارزه با رژیم پهلوی دانست؛ فرزندى که به گواه عام و خاص از ابتدا وجوه نوع در او دیده شد و مراحل و مدارج علمی در علوم معقول و منقول را با سرعت زیادی طی کرد؛ نابغهای که در اوج جوانی به مقام اجتهاد رسید و به گواه حاضرین صدای ان قلت و اشکال و استشکال‌ش سر درس پدرش همیشه بلند بوده است؛ خاطره‌ای از مقام رهبری، با این حال بازوی اجرایی پدرش در مسیر مبارزات بوده و تا زمان مرگش، مؤثرترین فرد در پیشبرد نهضت امام بوده است.

تولد و تحصیلات مقدماتی

سیدمصطفی خمینی، فرزند اول روح‌الله خمینی، متولد ۲۱ آذر ۱۳۰۹ در قم بود. نام او را به یاد پدر امام، مصطفی نهادند. او تحصیلات خود را تا پنجم ابتدایی در دبستان‌های باقریه و سنایی طی کرد و دروس حوزوی را در ۱۴ سالگی آغاز کرد. به علت علاقه و استعداد در خشان توانست طی مدت دو سال و چند ماه کتاب‌های سیوطی، حاشیه ملاعبده‌الله، معالم‌الاصول، شمسیه، مطول و بخشی از شرح لمعه را به پایان برساند.

تحصیلات عالی و اجتهاد؛ نبوغ و شجاعت علمی

وی در ۱۷ سالگی، پس از پایان دوره مقدماتی حوزه معمم شد. دوره سطح حوزه را به مدت پنج سال نزد آیات مرتضی حائری‌زیدی، محمدجواد اصفهانی، شهید محمد صدوقی و سیدمحمدباقر سلطانی فرا گرفت. سیدمصطفی ضمن اشتغال به فراگیری فقه و اصول، فلسفه را نیز نزد آیت‌الله سیدرضا صدر آغاز کرد و منظومه ملاهادی سبزواری را نزد او فرا گرفت و خود نیز سه تدریس آنها در مدرسه حجتیه قم پرداخت. سپس از آن جهت فراگیری «اسفار» به حوزه درس سیدابوالحسن رفیعی قزوینی و علامه طباطبایی روی آورد. او در ۲۱ سالگی در درس خارج آیات عظام سیدحسین طباطبایی بروجدی و سیدمحمد حجت‌کوه‌کمری حضور یافت. نزدیک به سی‌زده سال فقه و اصول را نزد امام خمینی فرا گرفت و از درس آیت‌الله سیدمحمد داماد نیز بهره گرفت. در آن زمان مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجرودی امتحانی را در سطح طلاب شاخص حوزه علمیه قم گذاشته بودند که پس از اعلام نتایج، حاج‌آقا مصطفی یکی از چهار نفر طلبه ممتازی بود که معرفی شد. سیدمصطفی پس از تلاش فراوان در ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید. اجازه اجتهاد او از طرف امام خمینی بود. آیت‌الله حاج سیدرضا بهاء‌الدینی که سالیان طولانی با ایشان حشر و نشر داشت، او را جامع معقول و منقول و سیاست‌اسلامی و دینی در جوانی و از نوادر و نوابغ زمان خود و همه اعصار می‌دانست.

آیت‌الله‌سیدعلی خامنه‌ای در مورد شجاعت علمی سیدمصطفی می‌گوید: «حاج‌آقا مصطفی از لحاظ جرأت علمی آدم باجراتی بود. من یادم نمی‌رود اشکالات ایشان را سر درس امام؛ ایشان سر درس

اصول امام اشکال می‌کرد؛ عقب هم می‌نشست و فریاد می‌کشید؛ تماشایی بود بر خورد این پدر با پسر! اشکال می‌کرد به امام؛ وقتی هم می‌خواست اشکال کند، یک‌خنده بلندتر می‌نشست -یک‌جوری می‌نشست که خیلی چهره [معلوم باشد] بلند بود، شاخص بود- داد می‌کشید. امام سر درس داد می‌کشیدند، خیلی از اوقات فریاد می‌زدند؛ به‌خصوص کسانی که در اشکال، پیگیری می‌کردند، امام همین‌طور گاهی سرشان داد می‌کشیدند؛ امام هم همین‌طور متقابلاً این پسر [بلند حرف می‌زد] و بحث می‌شد.»

سیدمصطفی در سال ۱۳۴۰ در مدرسه حجتیه قم به تدریس اصول، فقه و فلسفه (منظومه سبزواری) پرداخت. اسفار ملاصدرا را برای جمعی از طلاب تدریس کرد و حاشیه‌ای نیز بر آن نوشت. در دوران تبعید، پس از انتقال از ترکیه به عراق، در نجف بخشی از وقت خود را به تدریس خارج اصول اختصاص داد. در مدت توقف ۱۲ ساله در حوزه نجف سیدمصطفی به بهره‌گیری از حضور آیات عظام و مراجع تقلید حوزه علمیه نجف، سیدابوالقاسم خویی، سیدمحمد شاهرودی و سیدمحسن حکیم پرداخت و در کلاس‌های درس آیت‌الله‌سیدحسن بجنوردی نیز حضور پیدا کرد.

با اینکه سیدمصطفی هنوز جوان بود، ولی دیری نپایید که در زمینه‌های تحقیق و تألیف استعداد خود را نشان داد. از جمله کتاب‌های او می‌توان به «القواعد الحکمیة (حاشیه براسفار ملاصدرا)»، «حاشیه بر شرح هدایة ملاصدرا»، «حاشیه بر مبدأ و معاد ملاصدرا»، «کتاب‌البيع» (این کتاب در سه جلد بوده؛ ولی در حال حاضر فقط جلد اول و بحث ولایت فقیه از جلد دوم آن موجود است)، «کتاب‌الاجاره»، «مستند تحریر الوسیله»، «الحاشیة علی العروة الوثقی»، «تطبیق هیئت جدیدر هیئت ونجوم اسلامی»، «تفسیرالقرآن الکریم (۴ جلد)»، «الفوائد والعوائد» اشاره کرد.

مصطفی در سال ۱۳۳۵ شمسی با معصومه حائری دختر آیت‌الله مرتضی حائری‌زیدی ازدواج نمود. اولین فرزند آنها محبوبه بود که به جهت ابتلا به بیماری مننژیت درگذشت. دومین فرزند سیدحسن است که اکنون در قم مشغول علوم دینی است. سومین فرزند آنها مریم است که تا دوره دکترای تحصیل کرده است. او فرزند تازه متولدلی نیز داشته که طبق گفته همسرش، هنگام حمله مأموران شاه به خانه، او جان خود را از دست داده است.

آغاز فعالیت‌های سیاسی؛ آشنایی با فدائیان اسلام

سیدمصطفی قبل از شروع نهضت امام خمینی تا حدودی با جریان‌های سیاسی جامعه آشنایی داشت و نسبت به جریان‌های مذهبی همفکری و گرایش داشت؛ از جمله جمعیت فدائیان اسلام. سیدمصطفی با نواب صفوی رهبر این جمعیت آشنا بود و در جلسات آن شرکت می‌کرد. با نفر دوم این جمعیت نیز که عبدالحسین واحدی بود، ارتباط دوستانه و نزدیکی داشت. آشنایی و ارتباط سیدمصطفی با بنیانگذاران جمعیت فدائیان اسلام، موجب شد که از همان دوره جوانی توجه خاصی به مبارزه با رژیم پهلوی داشته باشد. او در سرنگونی حکومت پهلوی با دیگر گروه‌ها و جمعیت‌های سیاسی اشتراک‌نظر داشت. با این حال انگیزه‌های متفاوت و مستقلاً مانع همکاری او با بسیاری از این گروه‌ها بود. او صریحاً مخالف همکاری با جریان‌های غیر مذهبی مخالف رژیم بود. همچنین او از اولین کسانی بود که برای تحقق عملی اندیشه حکومت اسلامی تلاش کرد و رساله «الاسلام و الحکومه» را در این زمینه نگاشت.

قیام‌یازده خرداد

به‌دنبال سخنان امام خمینی در عصر عاشورای سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه، رژیم شاه تصمیم به دستگیری و بازداشت او گرفت. مأموران رژیم نیمه‌شب ۱۵ خرداد منزل امام(ره) را به محاصره درآوردند، ایشان را دستگیر و بلافاصله به تهران منتقل کردند. در تهران ابتدا به باشگاه افسران برند و در سلولی انفرادی زندانی کردند و ساعاتی بعد به باگان قصر (بی‌سیم) انتقال داده و با صدور قرار بازداشت موقت، زندانی کردند. گرچه مصطفی از ابتدای نهضت امام با ایشان و در کنار ایشان بوده؛ ولی از این پس حضور وی در صحنه نهضت امام، وارد مرحله نوینی شد. از ساعات اولیه بامداد، مأموریت سنگین خود را در غیاب امام خمینی شروع کرد. از یک سو باید برای آزادی امام تلاش می‌کرد و از دیگر سو شبکه نهضت اسلامی را فعال نگه می‌داشت و افزون بر آن‌ها مدیریت بیت امام را برعهده می‌گرفت. در دوازدهم مرداد ۱۳۴۲ امام خمینی از بازداشتگاه خارج و به منزلی در داوودیه تهران و پس از مدتی به قیصریه انتقال یافت. از این تاریخ به بعد بود که سیدمصطفی اجازه ملاقات و ارتباط مستقیم با امام را پیدا کرد.

ساواک بیش از این توانست نظاره گر تلاش‌ها و اقدامات حاج‌آقا مصطفی باشد به همین جهت طی دستوری شهرستانی را موظف به احضار او کرد. سیدمصطفی در اعتراض به این اقدام به ملاقات آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد‌هادی میلانی رفت. مأموران ساواک کلیه تحرکات و اقدامات مصطفی را تحت مراقبت شدید قرار داده و گزارش می‌کردند. حتی ساعت مسافرت وی به قم و نوع وسیله نقلیه را در گزارش خود، آورده‌اند. ساواک در تاریخ شانزدهم فروردین ۱۳۴۳، با آزادی امام خمینی موافقت کرد و ایشان روانه قم شدند. سیدمصطفی به ساماندهی امور مختلف در مسیر پیشبرد نهضت پرداخته، برای رسیدن به اهداف مورد نظر تلاش می‌کرد. نمونه‌ای از اقدامات وی، سازماندهی و پشتیبانی از نهضت امام در منطقه خلیج فارس است که ساواک توانست به آن پی ببرد. مجموعه گزارش‌های ساواک در مورد مسافرت سیدمصطفی به شهرهای اصفهان، مشهد و خمین حاکی از حساسیت ساواک نسبت به ایشان است.

لایحه کاپیتولاسیون

لایحه کاپیتولاسیون که در آن رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی و کارمندان اداری و فنی آمریکایی و خانواده‌هایشان در ایران از مصونیت و معافیت قضایی برخوردار می‌شدند، در خردادماه ۱۳۴۳ توسط دولت حسنعلی منصور مطرح و سوم مرداد همان سال در مجلس سنا به‌عنوان یکی از بندهای الحاقی به قرارداد بین تصویب شد. البته پس از آن هم، این لایحه یک بار در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی مطرح و تصویب شد. امام خمینی پس از اطلاع از قانون مزبور اعلام کردند که در این زمینه در چهارم آبان ۱۳۴۳ سخنرانی می‌کنند. مقامات دولتی وقتی از این تصمیم باخبر شدند، از طرق مختلف دست به تهدید امام و سیدمصطفی زدند. در برابر این تهدیدات مصطفی با قاطعیت پاسخ داد: «آیت‌الله خمینی به وظیفه خودشان هر جور که صلاح بدانند عمل می‌کنند، این گونه حرف‌ها هم نمی‌تواند ایشان را در اجرای وظیفه و رسالتی که برعهده دارند، به تجدیدنظر وادارد.»

امام خمینی در موعد مقرر نطق تاریخی خود را در برابر جمعیتی نزدیک به شش هزار نفر ایراد کرد. همچنین با انتشار اعلامیه‌ای از کاپیتولاسیون به‌عنوان «سند بردگی ملت ایران» نام بردند. سخنرانی